

سنجش مشارکت سیاسی مردم در الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان؛ مورد مطالعه: شهروندان تهرانی

محمدصادق جلالی‌راد^۱، ابراهیم متقی^۲، روزیتا سپهرنیا^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

چکیده:

نخبگان فکری حد واسط بین مردم و نخبگان بروکراتیک و کارگزاران هستند و نقش مهمی در بهبود عملکردهای سیاسی با دریافت مطالبات مردم و ارائه راهکار به کارگزاران دارند. به نظر می‌رسد وجود اختلاف بین دیدگاه مردم و نخبگان فکری سبب عدم ادراک فرهنگ سیاسی و شناسایی الگوی مورد پذیرش در دو گروه شده است. هدف این تحقیق سنجش مشارکت سیاسی مردم در الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان فکری می‌باشد. روش تحقیق بصورت آمیخته انجام شده است. جامعه آماری بصورت هدفمند در بخش کیفی ۳۰ نفر، و در بخش کمی ۱۴۰ نفر از اساتید علوم سیاسی دانشگاه‌های استان تهران انتخاب شدند. جامعه آماری شهروندان شامل ۷۰۴ نفر از شهروندان ساکن ۳۵۲ محله شهر تهران است که بصورت طبقه‌ای و تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخت در بخش کمی و مصاحبه نیمه ساختاریافته در بخش کیفی بوده است. روایی و پایایی بصورت صوری و محتوایی و آلفای کرونباخ تأیید شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آمار توصیفی و استنباطی انجام پذیرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که؛ الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان را می‌توان در سه بعد، شش مؤلفه، و ۴۳ شاخص مجزا مطرح و ارائه نمود. هم چنین نتایج نشان داد که، مشارکت شهروندان در الگوی مطروحه در بسیاری از شاخص‌ها زیاد بوده، ولی با پایگاه‌های اجتماعی مردمی رابطه معناداری دارد. همچنین نگرش شهروندان با پیش‌بینی مشارکت مردمی توسط نخبگان فکری در رتبه‌بندی شاخص‌ها با هم اختلاف معناداری را نشان داده است.

واژگان اصلی: فرهنگ سیاسی ایران، نخبگان فکری، شهروندان تهرانی، سنجش، مشارکت سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
emottaghi@ut.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

مقدمه

گابریل آلموند^۱ اولین بار واژه فرهنگ‌سیاسی^۲ را بکار برد. آلموند با همکاری سیدنی وربا^۳ در کتاب فرهنگ مدنی: نگرش‌های سیاسی و مدنی در پنج کشور^۴ این مفهوم‌بندی از فرهنگ سیاسی را متفح‌تر ساختند و فرهنگ‌سیاسی را برحسب سمت‌گیری‌ها و ایستارهای سیاسی افراد در قبال نظام سیاسی خویش تعریف کردند. «وقتی از فرهنگ‌سیاسی یک جامعه سخن می‌گوییم در واقع به نظام سیاسی به همان وجهی که در قالب شناخته‌ها، احساسات و ارزشیابی‌های اعضای آن در ذهن و روح آن‌ها جای‌گیر شده است نظر داریم» (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۴۵).

هر نظام سیاسی، متضمن یک الگوی خاص از جهت‌گیری به سوی کنش‌های سیاسی است. بدین معنا که در هر نظام سیاسی یک قلمرو ذهنی سامان یافته در باب سیاست وجود دارد که به جامعه، ترتیب نهادها و اتکای اجتماع بر افعال فردی معنی می‌دهد. در واقع سنت‌های یک جامعه، روح نهاد‌های عمومی آن، هیجان‌ات و عقل جمعی شهروندی و همچنین سبک و رمزهای عمل رهبران آن، نتایج تصادفی تجربه تایخی نیستند، بلکه به عنوان جزئی از یک کل معنادار، با هم ترکیب و تناسب یافته و یک مجموعه به هم پیوسته و معقول از روابط را به وجود می‌آورند، که به آن فرهنگ سیاسی می‌گویند (پای، ۱۳۷۰: ۳۹).

به عبارت دیگر، فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، ایستارها، نگرش‌ها و آگاهی‌هایی است که نزد شهروندان درونی می‌شود و جهت‌گیری‌ها و ارزیابی آن‌ها را نظام سیاسی تعیین می‌کند (میرزایی‌تبار، صادقی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

میدان پژوهش، بحث و نظریه پردازی و بررسی ادبیات فرهنگ سیاسی در ایران کمی دیرتر از سایر کشورها توسط اندیشمندان آغاز شد. هریک از پژوهشگران به بررسی تعدادی از شاخص‌ها و مولفه‌های فرهنگ سیاسی ایران پرداخته‌اند.

مشکل اساسی در جامعه ما این است که مدل و شاخص‌هایی که بتوان از طریق آن به فرهنگ سیاسی ایران و به طبع آن نظام جمهوری اسلامی ایران پی‌برد وجود ندارد و عملاً هر دولت و جریان و گروهی برداشت و تعریف و تفسیر خاص خود از این واژه را داشته‌اند و بر مبنای آن

1. Gabriel Almond

2. Political Culture

3. Sidney Verba

4. The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations

وضعیت خود را ترسیم نموده‌اند و جایگاه بالاتری برای خود قائل شده‌اند، در حالی که بدرستی شاخص‌های معتبر پذیرفته شده و استاندارد می‌شود که بتواند با اجماع نظر صاحب نظران سیاسی شأنت "فرهنگ سیاسی" را در کشور مورد بررسی و معیار بخشی قرار دهد، تعیین و تبیین نشده است.

فقدان مدل فرهنگ سیاسی سبب شده تا نتوان به مقایسه و ارزیابی فرهنگ‌پذیری سیاسی در جامعه و تعیین وضعیت موجود در حوزه‌های سیاست‌گذاران، کارگزاران سیاسی، جامعه عام مردمی و یا تعیین وضعیت مطلوب نهایی در راستای فرهنگ ملی و اسلامی ایرانی اقدام نمود و این امر موجب بروز وقفه و رکود در ارتقاء و توسعه پایدار و توسعه سیاسی - فرهنگی جامعه شده است. فقدان نقشه جامع فرهنگ سیاسی در جامعه در وهله اول بدلیل عدم معیارها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی این مقوله می‌باشند، چرا که برای ترسیم هر پدیده‌ای ابتدا باید معیارهای اندازه‌گیری آنرا تعیین نمود و در نهایت به ارزیابی و یا ارتقاء آن پرداخت.

فرضیه برخی از نظریه‌پردازان فرهنگ سیاسی آن است که هماهنگی با تاثیر نگرش‌های افراد بر اعمال آنان، فرهنگ سیاسی هر ملت نیز بر رفتاری که شهروندان و رهبران آن ملت هنگام انجام اعمال سیاسی و واکنش در برابر رویدادهای سیاسی از خود نشان می‌دهند، تاثیر می‌گذارد. در واقع مشارکت سیاسی بیان‌کننده چگونگی بهره‌برداری شهروندان دارای نگرش‌های مشارکتی مختلف از فرصت‌هایی است که نظام سیاسی و نهادهای اجتماعی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند.

از نظر سیاسی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، منجر به رشد و تقویت اقتدار ملی و وحدت ملی می‌شود و چون در نظام مشارکت‌جو، از تمامی ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و استعدادها مردم استفاده می‌شود، فاصله طبقاتی و مشکلات دولت ملی کاهش خواهد یافت.

از آنجا که مشارکت سیاسی باعث تداوم و پایداری دولت‌ها در مقبولیت و مشروعیت سیاسی است، از این رو توجه به میزان این مشارکت می‌تواند زمینه مناسبی برای سیاست‌گذاران در عرصه‌های فرهنگ سیاسی فراهم نموده تا در کنار بایدها و نبایدهای ارزشی، میزان فهم و مشارکت مردم مورد توجه قرار گیرد.

در این پژوهش محقق سعی دارد تا با ارائه الگویی نسبتاً جامع، بتواند محوریت مشترکی را برای اندیشیدن در حوزه "فرهنگ سیاسی" فراهم نماید تا صاحب نظران سیاسی، کارگزاران و مردم به عنوان تشکیل‌دهنده فرهنگ عام را قادر سازد با پذیرش محتوایی مشترک و قابل قبول، توانایی تجزیه و تحلیل کیفیت و کمیت این مقوله بین رشته‌ای را فراهم نمایند.

در فقدان شاخص‌های مدون فرهنگ سیاسی ایران شاید نتوان در راستای سنجش مشارکت حرفی به میان آورد، اما از آنجایی که مشارکت اجتماعی و سیاسی در پذیرش مفاهیم و مبانی فرهنگ سیاسی هر کشوری می‌تواند باعث تداوم و پایداری و مقبولیت دولت‌ها قرار گیرد، لذا محقق بر آن است که ضمن استخراج و شناسایی شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایرانیان، به سنجش میزان فهم و مشارکت مردم نسبت به این شاخص‌ها اقدام نماید.

از این رو در گام نخست محقق قصد دارد که با احصاء و تبیین ابعاد و مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی، مدلی برای فرهنگ سیاسی ایران ترسیم نموده و در گام بعدی با عنایت به شاخص‌ها، به سنجش این نوع فهم، تعامل و مشارکت سیاسی مردمی بپردازد.

هدف از این پژوهش سنجش میزان مشارکت سیاسی مردم در الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان (مورد مطالعه شهروندان تهرانی) می‌باشد.

۱- فرهنگ سیاسی

۱-۱- فرهنگ سیاسی از نظر آلموند

در نگاه آلموند، فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از منش‌ها، اعتقادات و احساسات در درون یک ملت نسبت به سیاست در زمانی مشخص است. این فرهنگ سیاسی توسط تاریخ آن ملت و از طریق فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و عمل سیاسی مداوم شکل می‌گیرد. آن الگوهای منشی که در تجربه گذشته شکل گرفته‌اند، تأثیر اجبارکننده پراهمیتی بر رفتار سیاسی آینده دارد. فرهنگ سیاسی بر رفتار افراد در ایفای نقش سیاسی، بر محتوای تقاضای سیاسی آن‌ها و واکنش آن‌ها نسبت به قوانین تأثیر می‌گذارد» (نادمی، ۱۳۹۰: ۱۵).

آلموند در ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی جامعه معین، چهار ضابطه را یادآور شده است:

۱- فرد چه شناختی در مورد ملت، نظام سیاسی به مفهوم کلی آن و چه شناختی از تاریخ آن، اندازه، موقعیت، قدرت، خصوصیات «قانون اساسی» و مانند آن دارد؟ احساساتش نسبت به نظم اجتماعی چیست؟

۲- از ساخت‌ها و نقش‌های نخبگان سیاسی مختلف و خط مشی‌های سیاسی پیشنهادی که در جریان رو به بالای خط مشی سازی وجود دارد، چه شناختی دارد؟ احساسات و عقایدش در مورد این ساخت‌ها، رهبران و خط مشی‌های سیاسی پیشنهادی چیست؟

۳- درباره جریان رو به پایین اجرای خط مشی، ساخت ها، افراد و تصمیمات مربوط به این روندها چه شناختی دارد؟ احساسات و عقایدش درباره آن‌ها چیست؟

۴- چگونه خود را به عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند؟ در مورد حقوق، قدرت‌ها، تعهدات و استراتژی‌های مربوط به دسترسی به نقطه نفوذ چه شناختی دارد؟ و درباره قابلیت‌هایش چگونه فکر می‌کند؟ (عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

بنابراین، اصطلاح «فرهنگ سیاسی» به موضع گیری‌های خاص سیاسی اشاره می‌کند، گرایش‌ها نسبت به نظام سیاسی و قسمت‌های مختلف آن و گرایش‌ها نسبت به نقش خویش در نظام. ما از فرهنگ سیاسی صحبت می‌کنیم، همان‌گونه که می‌توانیم از فرهنگ اقتصادی، یا فرهنگ مذهبی سخن بگوییم و آن عبارت است از مجموعه‌ای از موضع گیری‌ها نسبت به اهداف خاص و روند اجتماعی و غیره، زمانی که ما از فرهنگ سیاسی یک جامعه صحبت می‌کنیم، به نظام سیاسی‌ای اشاره می‌کنیم که در شناخت‌ها، احساسات و ارزیابی مردمش درونی شده است و مردم آن را استنباط کرده، در آن قرار می‌گیرند، چنان‌که ایشان در نقش‌های غیرسیاسی و نظام‌های اجتماعی، اجتماعی شده‌اند» (رزاقی، ۱۳۷۵).

آلموند بر این اساس سه مدل از فرهنگ سیاسی ارائه می‌کند:

۱- فرهنگ سیاسی جوامعی که افرادش در محدوده مناسبات سنتی تابع تصمیم‌گیری‌های سران و رهبران هستند.

۲- فرهنگ سیاسی جوامعی که افرادش تا آن حد مشارکت داده می‌شوند که در معرض سیاست‌گذاری قرار می‌گیرند.

۳- فرهنگ سیاسی جوامعی که افرادش مشارکت فعال دارند، تا آنجا که حتی بر سیاست‌گذاری‌ها اثر می‌گذارند.

آلموند براساس هریک از این مدل‌ها و یا تلفیقی از آن‌ها به تحلیل جایگاه جوامع انسانی و این موضوع که تا چه حد یک جامعه دارای فرهنگ سیاسی مدنی است، پرداخته است (نادمی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۵).

آلموند با بیان اینکه در مقایسه نظام‌های موجود بررسی نهادهای حقوقی چندان نتیجه‌ای نمی‌دهد، می‌کوشد برای مقایسه روش شناختی نظام‌های سیاسی با کمک از جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی طرحی ارائه دهد. او تأکید می‌کند که نظام‌های اصلی سیاسی را «که در جهان فعلی

وجود دارند می‌توان بر حسب رشته‌ای پیونددهنده دسته‌بندی کرد». از این لحاظ، رویکرد فرهنگ‌سیاسی از رویکرد نهادهای حقوقی در این معنا تفاوت دارد که رویکرد نهادهای حقوقی بر ساختار حقوقی نهادهای سیاسی و روند تصمیم‌گیری مطابق با قانون‌اساسی تأکید دارد، در حالی که رویکرد فرهنگ‌سیاسی گامی پیشتر نهاده و بر فراسوی نهادهای رسمی سازمان سیاسی تأکید می‌کند. آلموند می‌گوید: «باید نقش پیوندهای خانوادگی، نقش‌توده‌ها، انتخاب‌کنندگان، گروه‌بندی‌های سببی و پایدار و همه کانون‌های قدرت و نفوذ در روند سیاسی و... به حساب آورده شود» (عالم، ۱۳۷۴: ۱۵۲۸).

۱-۲- فرهنگ سیاسی از نظر سیدنی وربا

«سیدنی وربا» از محققین و پیشگامان حوزه مطالعات فرهنگ سیاسی در بحث از فرهنگ‌سیاسی و رابطه آن با کنش و رفتار سیاسی، فرهنگ‌سیاسی را «نظام باورهای تجربه‌پذیر، نهادها و ارزش‌هایی می‌داند که پایه و مبنای کنش سیاسی است». وی به تبع آلموند بر این عقیده است که فرهنگ‌سیاسی می‌خواهد بین تجزیه و تحلیل خرد(جنبه‌های روانشناختی رفتارسیاسی فرد) و تجزیه و تحلیل کلان(جامعه‌شناسی سیاسی) پُل بزند(هنری لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۲۶). وربا می‌گوید: «فرهنگ سیاسی ماهیتاً شامل نظامی از باورهای تجربی، نشانه‌های بیانی و عاطفی و ارزش‌ها است که شرایطی را که عمل سیاسی در آن رخ می‌دهد، مشخص می‌کند» (عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

سیدنی وربا فرهنگ‌سیاسی را چنین مفهوم‌بندی می‌کند: «فرهنگ‌سیاسی عبارت است از نظام باورهای تجربه‌پذیر، نمادها و ارزشهایی که پایه کنش سیاسی است(رزاقی، ۱۳۷۵). او می‌گوید که فرهنگ‌سیاسی می‌خواهد بین تجزیه و تحلیل فرد یعنی جنبه‌های روانشناختی رفتار سیاسی فرد و تجزیه و تحلیل کلان یعنی جامعه‌شناسی سیاسی پل بزند. فرهنگ سیاسی می‌کوشد تجزیه و تحلیل رفتاری را در بررسی مفهوم‌های مهم سیاسی مثل ایدئولوژی سیاسی، حاکمیت، مشروعیت، ملیت و حکومت به کار گیرد.

زمانی که ما از فرهنگ‌سیاسی صحبت می‌کنیم، وارد ذهن افراد شده‌ایم و با استفاده از ابزارهای روان‌کاوانه به بررسی دلایل جهت‌گیری و رفتارهای سیاسی آن‌ها می‌پردازیم، و با استفاده

۱. Verba

از روانشناسی سیاسی درمی‌یابیم که چگونه عقاید و رفتارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرند. فرهنگ سیاسی محیطی روانی است که تضادهای سیاسی در آن هدایت می‌شوند و سیاست‌های عمومی در آن اتخاذ می‌گردند. در محیط ذهنی- روانی مزبور مجموعه وسیعی از راه‌های تفکر و شیوه‌های اندیشه فرد درباره جلوه‌ها و مصداق‌های سیاست شکل می‌گیرند. مهم‌ترین عملی را که در این محیط می‌توانیم صورت دهیم تبیین الگوهایی است که سبب جهت‌گیری فرد نسبت به عینیت‌ها و واقعیات سیاسی- اجتماعی و پدیده‌های مختلف آن می‌شوند. به این ترتیب مهم‌ترین دستاورد تعریف فرهنگ سیاسی این مدعاست که احتمالاً جهت‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی فرد رابطه‌ای علت و معلولی با ارزش‌ها و سمبل‌های او دارند (نظری، علم و آل‌غفور، ۱۳۹۲: ۷۷؛ و امینی و خسروی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

۲- نخبگان^۱

«پاره‌تو^۲» شاید جزء نخستین افراد و نظریه‌پردازانی باشد که درباره نقش نخبگان در دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی به اظهارنظر پرداخته و در یک تعریف از واژه نخبه می‌گوید: «نخبگان به کسانی اطلاق می‌گردند که با توجه به نقشی که در جامعه برعهده دارند کاری انجام می‌دهند و استعدادهای طبیعی دارند، موقعیت‌های برتری را نسبت به متوسط افراد جامعه دارند و در واقع نخبگان را می‌توان از اعضای ممتاز جامعه دانست» (روشه، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

اعتقاد بنیادی پاره‌تو بر این اصل استوار است که «انسان‌ها از جهت جسمانی، فکری، اخلاقی، با یکدیگر برابر نیستند و در کل جامعه و در هر یک از قشرها و گروه‌های آن، برخی کسان از دیگران با استعدادترند، شایسته‌ترین افراد این گروه، نخبگان آن گروه را می‌سازند» (کوزر، ۱۴۰۰: ۵۲۳-۵۲۴).

براساس نظریه پاره‌تو «شایسته‌ترین افراد گروه، نخبگان آن گروه را تشکیل می‌دهند، البته اصطلاح نخبگان هیچگونه دلالت اخلاقی یا افتخارآمیز ندارد و تنها به کسانی اطلاق می‌شود که در هر یک از شاخه‌های فعالیت بشری بالاترین نمره را به دست آورده باشند» (کوزر، ۱۴۰۰: ۵۲۳). بعد از پاره‌تو، «موسکا^۳» نخستین کسی بود که بین نخبگان و توده‌ها تمایز و تفاوت قائل شد،

1. Elite

2. Vilfredo Federico Damaso Pareto

3. Gaetano Mosca

او در این رابطه می‌گوید: «در کلیه جوامع از عقب مانده‌ترین آن‌ها تا پیشرفته‌ترین‌ها و قدرتمندترین جوامع دو طبقه وجود دارد» یک طبقه حاکم و یک طبقه محکوم، طبقه نخست که همیشه از تعداد افراد کمتری تشکیل یافته، همه وظایف سیاسی را به اجرا می‌گذارد قدرت را در انحصار خود دارد و از ثمراتی که قدرت به همراه می‌آورد بهره‌مند می‌شود در حالی که طبقه محکوم یا فرمانبر که تعداد بیشتری افراد را شامل می‌شود توسط طبقه نخست به نحوی که گاهی کمابیش قانونی و زمانی کمابیش استبدادی و خشونت‌بار است اداره و کنترل می‌شود و در ادامه می‌گوید: «سلطه یک اقلیت سازمان یافته که از انگیزه واحدی پیروی می‌کند بر اکثریتی نامتشکل اجتناب‌ناپذیر است از آنجا که هریک از افراد گروه اکثریت غیرمتشکل ناگزیر است در مقابل گروه سازمان یافته به تنهایی بایستد، درنهایت مقاومت و ایستادگی آن‌ها در برابر قدرت اقلیت غیرممکن است (باتامور، ۱۳۹۲: ۷).

موسکا می‌گوید: مهمترین عاملی که سلطه گروه نخبگان را بر توده‌ها فراهم می‌کند ویژگی سازمان یافته آن‌ها است که همین عامل آن‌ها را در موقعیت برتر قرار می‌دهد، و توده‌ها فاقد سازمان یافتگی هستند و به ناچار از نخبگان اطاعت می‌کنند (شیخ‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۶)؛ و روابط مختلفی اعضای این اقلیت (نخبگان) مسلط را به هم پیوند می‌دهد از قبیل روابط خویشاوندی، روابط انتفاعی، روابط فرهنگی و... و این اقلیت به دلیل قدرت اقتصادی و با توجه به وحدتی که دارند، برخوردار از قدرت سیاسی گشته و تأثیر فرهنگی خود را بر اکثریت سازمان نیافته استوار می‌سازند و این همان چیزی است که نقش تاریخی نخبگان را توجیه می‌کند (روشه، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

گی‌روشه^۱ براساس ملاک ماکس وبر (سه نوع حاکمیت اقتدار سنتی، عقلایی، قانونی، حاکمیت معنوی و کاریزمایی) طبقه‌بندی شش‌گانه‌ای از نخبگان ارائه داده است:

نخبگان سنتی و مذهبی (رئیس سنتی قبیله - روحانیون)؛

نخبگان تکنوکراتیک (دیوانسالاران)؛

نخبگان مالکیت (مالکین بزرگ ارضی، یا صنعتی، یا مالی)؛

نخبگان خارق‌العاده (کاریزمایی)؛

نخبگان ایدئولوژی؛

^۱. Guy Rocher

نخبگان سمبولیک^۱ (هنرمندان، ورزشکاران) (روشه، ۱۳۹۵: ۱۲۵-۱۲۱).

بنابراین با توجه به مطالب گفته شده نظریه نخبه‌گرایی بر این اصل استوار است که در جامعه افرادی هستند که به دلایل و انگیزه‌هایی از موقعیت برجسته‌ای برخوردارند و در سازمان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نقشی تعیین کننده‌ای در تصمیم‌گیری بازی می‌کنند؛ به عبارت دیگر، نظریه نخبه‌گرایی با تقسیم جامعه بین دو گروه اقلیت قدرتمند و اکثریت فاقد قدرت معتقد است (ازغندی، ۱۳۷۲: ۷۴۳).

۲-۱- نخبگان فکری^۲

نخبگان فکری شامل نویسندگان، دانشگاهیان، محققان، کارشناسان، خبرنگاران و هنرمندان هستند که اندیشه و روش و رهیافت و راهبرد تولید می‌کنند (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۶۶). نخبگان فکری بر گروه‌های اجتماعی دیگر از نخبگان می‌توانند در بخش‌های مربوط به خود وارد عمل شده و حرکت جامعه به سوی حکمرانی خوب را تسهیل کنند؛ اما اگر در عمل نخبه تأثیری در جامعه نداشته باشد، مثل گنجینه پنهانی خواهد بود که مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (شبانپور، ۱۳۹۶: ۱۳۵).

وظیفه نخبگان فکری در یک جامعه، «ارائه راه‌حل و باز کردن گره‌های یک جامعه و تفکر درباره آن است و وظیفه نخبگان سیاسی آن است که این تشکیل را برای نخبگان فکری ایجاد کنند و اندیشه‌های پیچیده و رهیافت‌های آن‌ها را برای اداره کارآمد جامعه به کار گیرند و تفاوت این دو با توده‌ها در این است که در جامعه سنتی برای عامه، گذران زندگی اصل است و برای نخبگان استمرار فرصت حکومت کردن» (عابدینی و خوشحال، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

از عوامل جدایی نخبگان فکری و ابزاری (بروکراتیک) یکی تلقی مجریان از مقوله مملکت‌داری است و دوم سیاست‌زدگی در حوزه عمل است و سوم، تعریفی که برخی مجریان از کار دارند و ارادت را مهمتر از مهارت می‌دانند و علت چهارم، ارتباط محدود فکری و تئوریک با دنیاست و عامل پنجم عدم تفکیک حوزه فکر و حوزه عمل در تفکر بسیاری از افراد جامعه است (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۶).

1. Symbolic

2. Intellectual Elites

۳- مشارکت سیاسی^۱

تعریف «وربا و نای^۲» یکی از اولین تعاریفی است که در متون علوم سیاسی مطرح و مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر آن‌ها مشارکت سیاسی به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که شهروندان به طور مستقیم یا غیرمستقیم و در اندازه‌های مختلف (کم یا زیاد) برای تأثیرگذاری بر گزینش اعضای دولت و حکومت، یا برنامه‌ها و فعالیت‌های آن‌ها انجام می‌دهند. «برادول و کانوی^۳» نیز مشارکت سیاسی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «به هر عمل که با انگیزه سیاسی انجام شود، مانند رأی دادن، کمک نقدی و پرداخت پول و امکانات، ارتباط، یا عضویت در یک حزب سیاسی، تلاش برای یک مقام دولتی، تحریم یک کالا، شرکت در راهپیمایی، اعتراض خشونت آمیز و امثال این‌ها مشارکت سیاسی گفته می‌شود. مشارکت سیاسی، ابزاری برای کسب مزیت‌های سیاسی است (پرچمی، ۱۳۸۶: ۳۹-۳۸). همچنین «مشارکت سیاسی رفتاری است که بر نتایج و تصمیمات حکومتی اثر می‌گذارد و یا قصد تأثیرگذاری دارد» (نیکزاد، ۱۳۷۹).

۳-۱- امیل دورکیم^۴

دورکیم با طرح تئوری همبستگی اجتماعی، مشارکت را چگونگی عمل، تفکر و احساس می‌داند که خارج از فرد بوده و دارای قوه اجبار و الزام هستند و به واسطه آن خود را بر فرد تحمیل می‌کنند. از این تعریف به‌روشنی بر می‌آید که دورکیم مشارکت را در واقعیت‌های بیرون از اشخاص (محیط بیرونی) جستجو می‌کند و دو معیار را برای تعیین خصوصیات مشارکت به کار می‌گیرد. الف) بیرونی بودن، حالات عمل، فکر و احساس در رابطه با اشخاص ب) جبر و فشاری که اشخاص تحمل می‌کنند (علفیان، ۱۳۷۹: ۹۱-۹۲).

۳-۲- ماکس وبر^۵

در مکتب تفهیمی ماکس وبر^۵ و پیروان او، مشارکت با مفهوم احتمال، همراه می‌باشد، معنای این سخن آن نیست که مشارکت افراد در زندگی اجتماعی لزوماً خصلت ناپایدار و موقتی دارد. بلکه منظور این است که امکان دارد که میزان این احتمال در شرایط مختلف و بنا به عوامل مختلف

¹. Political participation

². Verba and Nie

³. Broadwell & Conway

⁴ E.Durkhem

⁵ M.Weber

کاسته شود یا حتی در مواردی کاملاً متفی گردد. این احتمال، تا هنگامی عینیت دارد که افراد انتظارات معینی از رفتار دیگران داشته و این انتظار به طور عینی همواره تحقق یابد یا برآورده گردد؛ بنابراین تا زمانی که انتظارات افراد در بطن روابط اجتماعی برآورده گردد، مشارکت افراد که همان باور آن‌ها به نظم مستقر است، تداوم خواهد یافت (توسلی، ۱۳۸۲: ۴۰).

و بر همچنین چهار نوع آرمانی تبیین‌های کنش و رفتار اجتماعی مانند مشارکت را مطرح می‌کند. دو نوع آن عقلانی هستند: کنش عقلانی در رابطه با هدف و کنش عقلانی در رابطه با ارزش و دو نوع غیرعقلانی کنش عاطفی و کنش سستی. در کنش عقلانی معطوف به هدف فرد کنش احتمالی را بر حسب هزینه‌ها و منافع وسایل و هدف‌ها ارزیابی می‌کند (مانند رفتار اقتصادی عقلانی)؛ و در کنش عقلانی معطوف به ارزش هدف‌ها را مورد سؤال قرار نمی‌دهد بلکه هزینه‌ها و منافع وسایل معینی را ارزیابی می‌کند (مانند پذیرفتن یک آرمان مذهبی به‌عنوان مؤثرترین وسیله برای دستیابی به هدف). کنش عاطفی تحت سلطه عواطف و کنش سستی تحت سلطه رسوم و عادات است (رضاپور و انصاری، ۱۳۹۴: ۴۰)؛ بنابراین بر حسب نظر ویر می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر مشارکت را هدف فرض کنیم، کنش فردی که مشارکت می‌کند کنش عقلانی معطوف به هدف است و اگر مشارکت را وسیله رسیدن به هدف فرض کنیم، کنش فرد در این صورت کنش عقلانی معطوف به ارزش است اگر فرد مشارکت را وسیله خوبی برای دستیابی به هدف خود بداند، به مشارکت روی خواهد آورد.

۴- مروری بر پیشینه تحقیقات:

- سریع‌القلم (۱۳۹۲)، در پژوهش خود با عنوان "فرهنگ سیاسی ایران"، با تلفیق روش‌های کیفی و کمی و با استناد به مباحث نظری و تاریخی، و پرسش‌نامه‌ای با ۹۰۰ نفر جامعه آماری (در کل کشور توسط نخبگان اجرایی و علمی انجام شده است)، ضمن بررسی مقایسه‌ای انگلستان، آمریکا، ایتالیا، مکزیک و ایران، ظرافت‌های مفهومی و نظری فرهنگ سیاسی را نیز به نمایش گذاشته است. وی ساختار اقتصادی و فرآیندهای تولید ثروت و علم را در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی کثرت‌گرا، عقلایی و فردیت مثبت نمایان کرده است. از نظر او هیچ تغییری در دنیای جدید به اندازه آزادسازی اقتصادی در عقلایی کردن حوزه سیاست و فرهنگ سیاسی کشورها وجود ندارد. بر اساس این تحقیق، ایرانی‌ها علی‌رغم ضریب هوش بالای در سطح جهانی، عمدتاً با

غریزه و مشتقات آن زندگی می‌کنند: عصبانیت، هیجان، لج‌بازی، حسد، تخریب دیگران و جلوگیری از رشد آن‌ها و صرف وقت قابل توجهی در سر درآوردن از امور خصوصی و غیر خصوصی دیگران می‌کنند. به اعتقاد سریع‌القلم این سنت‌های فرهنگ سیاسی قرن‌هاست که در کشور ریشه دارد. از نظر وی نظام‌های سیاسی در ایران تا آغاز سلسله پهلوی، ریشه عشیره‌ای داشته‌اند، فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی و فرهنگ اجتماعی ایران تحت تاثیر آن بوده است. نهایتاً وی فرهنگ سیاسی ایران را قبیله‌ای و عشیره‌ای معرفی می‌نماید (سریع‌القلم، ۱۳۹۲).

- مصلی‌نژاد (۱۳۹۳)، در کتاب خود با عنوان "فرهنگ سیاسی ایران: نشانه‌ها و فرآیندهای کنش الگویی"، سعی کرده است تا با یک بررسی جامع و از منظر نوسازی، شاخص‌های تاثیرگذار فرهنگ سیاسی بر توسعه را مورد ارزیابی قرار دهد. وی موضوعاتی از جمله هویت و مشروعیت را دارای اهمیت ویژه‌ای در روند نوسازی می‌داند و از همین منظر موضوع اصلی در سیاست ایران را هویت سیاسی می‌داند. از نظر وی کشورهایی که از تجانس اجتماعی، تعادل سیاسی و همگونی فرهنگی برخوردار باشند، در روند نوسازی هزینه کمتری پرداخت می‌کنند، زیرا نگرش عمومی گروه‌های اجتماعی منجر به ایجاد شکل خاصی از کنش سیاسی می‌شود. طبق بررسی‌های نویسنده عامل اصلی انسجام سیاسی، همبستگی اجتماعی و رفتار برنامه‌ریزی شده حکومتی می‌باشد که این امر می‌تواند مخاطرات سیاسی و ساختاری را به وجود آورد. وی ظهور ناآرامی‌های داخلی، جدال‌های سیاسی و شورش اجتماعی را در پیوند بسیار نزدیکی با چگونگی فرهنگ سیاسی می‌داند. وی روح عمومی و فرهنگ سیاسی ایران را به عنوان زیربنای الگوهای رفتار ساختاری تبیین می‌کند و استمرار شاخص‌های فرهنگی ایران را بیانگر تجربه بسیار طولانی و تاریخی است. اسطوره‌های ذهن ایرانی از دوران گذشته به گونه مشهودی بازنمایی شده‌اند. ناامنی سیاسی و اشغال ایران توسط نیروهای خارجی نیز باعث پیچیده‌تر شدن رفتار و فرهنگ سیاسی ایران شده است. نهایتاً مصلی‌نژاد شاخص‌های اصلی فرهنگ سیاسی ایران را مبتنی بر عدم اعتماد، مقاومت خاموش، افراط‌کاری، بیگانه‌ترسی، آرمان‌گرایی، رسالت‌گرایی، هیجان عاطفی، روح قیامت‌نگر، و خطرپذیری رمانتیک در کنش سیاسی و بین‌المللی می‌داند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳).

- بشیریه (۱۳۸۰)، در کتاب خود با عنوان "موانع توسعه سیاسی در ایران" در بررسی عوامل مهم و تاثیرگذار موانع توسعه سیاسی در ایران عوامل: ۱- تمرکز منابع قدرت؛ ۲- چندپارگی‌های جامعه و ایدئولوژی، ۳- فرهنگ سیاسی گروه حاکم را بر می‌شمارد. وی در

توضیح فرهنگ سیاسی ایران نظریه ماروین زونیس را مبنای بحث خود قرار می‌دهد که در ایران به چهار دلیل فرهنگ سیاسی خود مشارکت است. ۱- بدبینی سیاسی، ۲- بی‌اعتمادی شخصی، ۳- احساس عدم امنیت آشکار، ۴- سوء استفاده بین افراد. نویسنده در کتاب نقش ایدئولوژی در گروه‌های حاکم را مهمترین مانع در توسعه سیاسی می‌داند، البته آن را نوعی فرهنگ که منبع قداست است معرفی می‌کند که برای حاکمیت مشروعیت به ارمغان می‌آورد (بشیریه، ۱۳۸۰).

- ماروین زونیس (۱۳۸۷)، در کتاب خود با عنوان "روانشناسی نخبگان سیاسی ایران" به بررسی نقش و جایگاه نخبگان سیاسی پرداخته است. فرضیه اصلی کتاب چنین صورت‌بندی شده است: در جوامعی که فرایندهای سیاسی آن درون ساختارهای رسمی دولت کم‌تر نهادینه شده است، نگرش‌ها و رفتار افراد پر قدرت راهنمای قابل اعتمادی برای تغییر سیاسی محسوب می‌شود. مفهوم نخبگان سیاسی آن‌چنان که در این بررسی، استفاده گردیده است، مفهومی تجربی رفتاری است. از نظر نویسنده برای موازنه و برابر سازی نخبگان سیاسی یا صاحبان مشاغل رسمی در دولت ایران با ساختار اجتماعی آن هیچ کوشش استنتاجی انجام نگرفته است. برعکس نخبگان سیاسی به مثابه‌ی افرادی از اعضای جامعه ایران یا ملت ایران تعریف شده‌اند که در مقایسه با سایر اعضای جامعه ایرانی هم از نظر سیاسی فعال‌تر و هم از قدرت سیاسی بیشتری برخوردار بوده‌اند. زونیس، قدرت سیاسی را یک رابطه درون فردی می‌داند و معتقد است رفتار یک سیاستمدار می‌تواند رفتار یک سیاستمدار دیگر را تغییر دهد. وی منظور از رفتار را هر نوع تغییر در وضعیت و پایگاه فرد در یک زمان تا زمان دیگر می‌داند و آن را جوهره سیاست ایران بر می‌شمارد. نهایتاً وی اصولی چون بدبینی سیاسی، بی‌اعتمادی شخصی، عدم امنیت آشکار و بهره‌کشی میان فردی را به عنوان یک جهت‌گیری منش شناختی عمومی در زمینه رفتار سیاسی نخبگان معرفی می‌کند که معمولاً رفتار آنان را تعیین می‌کند (زونیس، ۱۳۸۷).

جفری گلدفارب^۱ (۲۰۱۱)، در کتاب خود با عنوان "اختراع مجدد فرهنگ سیاسی: قدرت فرهنگ در مقابل فرهنگ قدرت"، معتقد است، فرهنگ سیاسی می‌تواند یک محدودیت جدی در تحقق تحولات اجتماعی باشد. باورهای موروثی و الهام بخش از مطابقت با وضع موجود است، که در ایالات متحده قابل مشاهده است، همیشه به "شیوه زندگی آمریکایی" و "گذشته شکوه" که تغییر ناپذیر تغییر می‌یابد.

^۱. Jeffrey C. Goldfarb

از نظر وی، فرهنگ سیاسی نیز از ظرفیتی خلاقانه و قدرتمند برخوردار است که می‌تواند تحولات عمیق و متری در جامعه ایجاد کند؛ و در تحولات اجتماعی مؤثر است. تداوم مداوم فرهنگ سیاسی تغییر اجتماعی ایجاد می‌کند، زیرا "قدرت فرهنگ با فرهنگ قدرت مقابله می‌کند". نویسنده ظرفیت خلاق فرهنگ‌های سیاسی را از طریق آنچه او "سیاست چیزهای کوچک" می‌نامد، بررسی می‌کند. و نشان می‌دهد چگونه بحث و گفتگوهایی که بین مردم در مقیاس خرد و خارج از نهادهای رسمی سیاسی صورت می‌گیرد، بر پیشرفت متری تأثیر می‌گذارد. جمع این همه تعامل، ایده‌های سیاسی جدیدی را تشکیل می‌دهد که از قدرت واقعی برخوردار بوده و تکامل جوامع را فراهم می‌کند. نهایتاً وی در توجیه استدلال خود، سه مورد را که نیروی خلاق ناشی از فرهنگ سیاسی تحول‌گرا بوده است بررسی می‌کند. اول، ظهور لهستان نسبتاً آزاد و دموکراتیک پس از سقوط پرده آهنین. دوم، سیاست جدید و گفتمان نژادی در ایالات متحده توسط رئیس‌جمهور اوباما، و سوم، ظهور منابع جایگزین بحث و گفتگو در هر دو طرف درگیری اسرائیل و فلسطین در خاورمیانه (گلدفارب^۱، ۲۰۱۱).

دزی تانگ^۲ (۲۰۱۹)، در کتاب خود با عنوان "مقدمه‌ای برای مقایسه فرهنگ سیاسی تأمل نظری بر تعدد دموکراسی"، ضمن بررسی چهار جنبه ۱- شناخت موضوع، ۲- نحوه تفکر، ۳- ارزش سیاسی و ایدئولوژی، ۴- مطالعات تطبیقی در مورد فرهنگ سیاسی، اثر استفاده از مفهوم فرهنگ سیاسی در محافل دانشگاهی غربی، این مفهوم را تکمیل و مفهوم جدیدی از فرهنگ سیاسی را که محلی‌تر است، ارائه می‌دهد. این مفهوم جدید، به واسطه مقایسه با سیستم سیاسی، فرهنگ سیاسی را به عنوان جنبه ذهنی نظام سیاسی در نظر می‌گیرد و ایدئولوژی را در فرهنگ سیاسی گنجانیده است، وی معتقد است که دانش ما از فرهنگ سیاسی، آن را غنی می‌کند. تانگ در اثر خود، بر اساس شفاف‌سازی مفهوم فرهنگ سیاسی و ایجاد بعد تطبیقی آن، به دیدگاه‌های افراد، ملل، جامعه و قدرت شناخت سیاسی اشاره دارد. نهایتاً وی معتقد است که روش‌ها، اهداف، جهت‌ها، ایده‌های سیاسی، آگاهی دموکراتیک، مفهوم حقوقی و انتخاب سیستم از ارزش سیاسی، و همچنین لیبرالیسم و جمهوری خواهی، مزایای اساسی برای ترویج و تعمیق مطالعات تطبیقی فرهنگ سیاسی می‌باشد (تانگ^۳، ۲۰۱۹).

1. Goldfarb

2. Dezhi Tong

3. Tong

دووالد کجیل، برلوند استن، و اکمن جوآکیم^۱ (۲۰۱۹)، در کتاب خود با عنوان "فرهنگ سیاسی در کشورهای بالتیک: بین ادغام ملی و اروپا"، با مطالعه موردی و مقایسه‌ای از کشورهای بالتیک شامل استونی، لتونی و لیتوانی، طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۵، فرهنگ سیاسی در کشورهای بالتیک از جمله جهت‌گیری سیاسی و حمایت از دموکراسی را در آن‌ها بررسی نمایند. این کتاب که با استفاده از روش کمی و مطالعات موردی است، با گردآوری داده‌های افکار عمومی و همچنین دو نظرسنجی توسط نویسندگان، وضعیت سیاسی حاکم در استونی، لتونی و لیتوانی را پس از ربع قرن از استقلال و پانزده سال پس از عضویت در اتحادیه اروپا، بررسی می‌کند. به نظر نویسندگان این سه کشور با سرنوشت ژئوپلیتیکی یکسانی و بسیاری از چالش‌های معاصر مشترک هستند و با این وجود هریک از این تحولات و مبارزات خود بین ایجاد ملت و ادغام اروپا، جهت‌گیری‌های غربی و پس از اتحاد جماهیر شوروی و تجربه گذشته و آرزوهای آینده مشخص شده‌اند. و نهایتاً معتقدند یکی از نقاط مهم جغرافیایی درگیری فعلی روسیه و غرب را در این حوزه با تسخیر فرهنگ سیاسی آنان می‌باشد (کجیل، استن، و جوآکیم^۲، ۲۰۱۹).

۵- روش پژوهش:

روش پژوهش از نظر هدف توصیفی است زیرا پژوهش حاضر در وهله نخست به دنبال شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان می‌باشد، و در وهله دوم به دنبال بررسی مشارکت شهروندان در الگو می‌باشد.

نوع پژوهش حاضر به لحاظ نتایج، به خاطر ارائه الگو و مدل فرهنگ سیاسی ایران کاربردی^۳ و به‌علت توسعه مبانی فرهنگ سیاسی ایران توسعه‌ای می‌باشد.

از نظر فرآیند اجرا، پژوهش حاضر به روش آمیخته (کمی و کیفی) می‌باشد. رویکرد آمیخته نوعی از پژوهش است که در آن محقق عناصر و ویژگی‌های موجود در رویکردهای کمی و کیفی (مانند، استفاده از نقطه نظرها، گردآوری داده، تحلیل‌ها و تکنیک‌های استنتاج کمی و کیفی) را به هدف اثبات و فهم عمیق‌تر و گسترده‌تر با هم ترکیب می‌کنند.

1. Duvold Kjetil & Berglund Sten & Ekman Joakim

2. Kjetil & Sten & Joakim

3. Applied research method

در این پژوهش نیز با استفاده از روش کیفی، تمامی پژوهش‌های پیشین گردآوری شده است و با استفاده از روش کمی، تحلیل شده است.

روش پژوهش از نظر زمان، سری زمانی می‌باشد. زیرا اطلاعات و داده‌های پژوهش‌های صورت گرفته موضوع فرهنگ سیاسی ایران را در طول سالیان مختلف جمع‌آوری نموده که هرکدام از آنان نمایانگر تغییرات شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران در طول زمان است.

۵-۱- مراحل انجام پژوهش

در گام نخست در راستای تدوین شاخص‌های فرهنگ سیاسی ایران، با استفاده از روش کیفی ابتدا با مراجعه به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه وزارت امور خارجه، سامانه اینترنتی پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) متعلق به پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)^۱، پرتال جامع علوم انسانی اسلامی وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی^۲، سایت پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۳، سایت نورمگز^۴ و سایت سیویلیکا^۵، تمامی کتاب‌ها، پژوهش‌ها، مقالات، صورت گرفته پیرامون فرهنگ سیاسی مطالعه و ۲۷۰ پژوهش از طریق جستجوی در مقالات، مطالعات، کتب، رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها به عنوان نمونه مطالعه کیفی در نظر گرفته شد. و تمامی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطرحه توسط محققین استخراج شده است. در این مرحله پژوهش ۱۶ عنوان برای ابعاد، ۱۳ عنوان برای مؤلفه‌ها و ۲۶۰ شاخص فرهنگ سیاسی ایران احصاء گردید.

۲۶۰ شاخص مورد نظر در اختیار ۳۰ نفر از اساتید و متخصصان حوزه فرهنگ سیاسی قرار گرفت تا تعیین نمایند علاوه بر این شاخص‌ها آیا شاخص دیگری نیز در فرهنگ سیاسی ایران تأثیرگذار است. تعداد حجم نمونه متخصصین با توجه به دیدگاه کیفی مورد نظر ۳۰ نفر در نظر گرفته شده است. ۳۰ نفر متخصص مورد نظر در بخش‌های دیگر پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این تعداد از لحاظ تخصص به فرهنگ سیاسی به تأیید اساتید راهنما و مشاور این پژوهش قرار گرفته‌اند. ۳۰ نفر متخصص در این زمینه ۵ شاخص جدید علاوه بر ۲۶۰ شاخص استخراج شده به محقق پیشنهاد دادند. در راستای تعیین ابعاد و مولفه‌های شاخص‌های احصاء شده

1. <https://irandoc.ac.ir/>

2. <http://ensani.ir>

3. <https://www.sid.ir>

4. <https://www.noormags.ir/>

5. <https://civilica.com/>

نیز متخصصین تعداد ۱ بعد و ۲ مؤلفه دیگر برای دسته‌بندی شاخص‌ها پیشنهاد دادند.

پس از نهایی شدن ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های احصاء شده با استفاده از یک تیم خبرگی شامل ۲۰ نفر از اساتید با بررسی مجدد شاخص‌ها در صورت لزوم ابعاد و مؤلفه‌های دیگری اگر قابل معرفی است پیشنهاد دهند که در این مرحله نیز ۱ مؤلفه بر مؤلفه‌های اولیه اضافه شده است. در گام بعدی پژوهش، شاخص‌های احصاء شده در مؤلفه‌های پیشنهادی توسط متخصصین قرار گرفته و مؤلفه‌های مورد نظر در ذیل ابعاد پیشنهادی قرار گرفت و الگوی فرهنگ سیاسی کلی در اختیار ۱۴ نفر از متخصصین که با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی از بین متخصصین تعیین شده بود قرار گرفت تا شاخص‌های دارای همپوشانی و غیر لازم را حذف نموده و شاخص‌های معتبرتر را به پژوهشگر معرفی نمایند و همچنین با حذف نظرات منفی و مثبت اعتبار الگو را افزایش دهند. ملاک نهایی سازی شاخص‌ها و تعیین مؤلفه‌ها و ابعاد اشباع نظری بوده است. در نهایت الگوی فرهنگ سیاسی ایران در قالب ۳ بعد و ۶ مؤلفه و ۴۳ شاخص تدوین گردید. ملاک تعیین ۱۴ متخصص پایه علمی (استاد تمام و دانشیار) و تخصص کافی در زمینه فرهنگ سیاسی بوده است.

جدول (۱) ابعاد، مؤلفه‌ها و تعداد شاخص‌های الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان

بُعد	مؤلفه	شاخص	جمع
کلان	فرهنگ سیاسی غربی	۴	۱۹
	فرهنگ سیاسی ایرانی	۸	
	فرهنگ سیاسی اسلامی - انقلابی	۷	
میانه	فرهنگ سیاسی جامعه و فضای حکمرانی	۱۰	۱۰
خُرد	فرهنگ سیاسی فردی	۷	۱۴
	فرهنگ سیاسی نخبگان	۷	
جمع		۴۳	۴۳

الگوی تدوین شده در اختیار ۱۴۰ نفر از اساتید علوم سیاسی کشور قرار گرفت تا تأثیر هر کدام از شاخص‌ها در فرهنگ سیاسی طبق دیدگاه این متخصصان مورد تحلیل قرار گیرد. حجم نمونه ۱۴۰ نفر بر اساس جدول مورگان بدست آمده است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته تعداد کل اساتید رشته علوم سیاسی در گرایش‌های (علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، سیاست‌گذاری عمومی، اندیشه‌های سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، مسائل ایران، مطالعات منطقه‌ای) دانشگاه‌های دولتی، آزاد و پیام‌نور استان تهران بر اساس اطلاعات مندرج در سایت دانشگاه‌ها ۲۲۹ نفر است که

بر اساس جدول مورگان این حجم نمونه بدست آمده است.

در مرحله نهایی برای سنجش میزان مشارکت مردم در الگوی بدست آمده از دیدگاه شهروندان شهر تهران استفاده شده است. در این راستا شاخص ۶های تحقیق به گویه‌های قابل فهم برای شهروندان تبدیل گردید. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و فرمول کوکران با توجه به جمعیت شهر تهران ۳۸۴ نفر است که در این پژوهش با توجه به اینکه به نتایج قابل قبولی در فرهنگ سیاسی دست یابیم و قابل تعمیم به کل شهر تهران باشد از روش نمونه‌گیری جغرافیایی و طبقه‌ای استفاده شده است. به همین منظور ملاک توزیع پرسشنامه‌ها محلات تهران قرار گرفت و در هر محله یک نفر زن و یک نفر مرد بر حسب توزیع تصادفی در این تحقیق در نظر گرفته شدند. کل محلات تهران ۳۵۲ محله بوده که در نهایت حجم نمونه این تحقیق ۷۰۴ نفر در نظر گرفته شده است.

۲-۵- روایی و پایایی

الف) کیفی

- ۱- برای روایی داده‌های کیفی از روش صوری استفاده شده است. به این منظور استفاده از منابع دست اول، تکنرگرایی داده‌ها با بهره‌گیری از تمامی منابع، تکنرگرایی تئوری با بهره‌گیری از تئوری‌ها و نگرش‌ها، و حداقل مداخله در بیان ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌ها صورت پذیرفت.
- ۲- جهت پایایی نیز با استفاده از نظر ۲۰ نفر از متخصصان که دانش و اطلاعات زیادی در مورد فرهنگ سیاسی ایران داشتند این امر محقق شد.

ب) کمی

- ۱- در این پژوهش برای تعیین روایی پرسشنامه‌ها، از روایی صوری و محتوایی استفاده گردیده است. بدین صورت که پرسش‌نامه‌های تهیه شده بین ۲۰ نفر از افراد متخصص و صاحب نظر توزیع شده است و از نظر صوری و محتوایی مورد تأیید قرار گرفته است.
- ۲- برای محاسبه پایایی نیز در گام نخست، از طریق آزمون-آزمون مجدد، پرسش‌نامه‌ها بین ۲۰ نفر از متخصصین و صاحب‌نظران ارائه گردید، نتایج به دست آمده از پاسخ‌نامه جدید مطابق با پاسخ‌نامه قبلی مصاحبه‌شوندگان بوده است. و نشان‌گر پایایی پرسش‌نامه و پاسخ‌ها می‌باشد.

۳- و درگام دوم و بعدی از ضریب آلفای کرونباخ برای پایداری به قرار زیر استفاده شد:

جدول (۲) آلفای کرونباخ پرسشنامه نخبگان

آلفای کرونباخ	مولفه‌های فرهنگ سیاسی
۰/۷۴۰۸	فرهنگ سیاسی غربی
۰/۷۱۱۷	فرهنگ سیاسی ایرانی
۰/۷۴۸۵	فرهنگ سیاسی اسلامی - انقلاب
۰/۷۱۶۱	فرهنگ سیاسی جامعه و فضای حکمرانی
۰/۶۷۱۸	فرهنگ سیاسی فردی
۰/۶۸۵۴	فرهنگ سیاسی نخبگان

جدول (۳) آلفای کرونباخ پرسشنامه شهروندان

آلفای کرونباخ	مولفه‌های فرهنگ سیاسی
۰/۶۷۵۶	فرهنگ سیاسی غربی
۰/۶۹۷۱	فرهنگ سیاسی ایرانی
۰/۸۱۷۸	فرهنگ سیاسی اسلامی - انقلاب
۰/۷۸۶۵	فرهنگ سیاسی جامعه و فضای حکمرانی
۰/۶۷۰۸	فرهنگ سیاسی فردی
۰/۷۸۵۵	فرهنگ سیاسی نخبگان

۳-۵- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل آماری داده‌های حاصل، از روش تحلیل عاملی استفاده می‌شود که یک روش چند متغیره است.

برای استفاده از این روش، از مدل «معادلات ساختاری»^۱ استفاده می‌شود. از این رو در راستای تجزیه و تحلیل این تحقیق از آمار توصیفی، میانگین و واریانس برای نشان دادن سهم شاخص‌ها و آمار استنباطی و بهره‌گیری از تحلیل عاملی و آزمون فریدمن برای نشان دادن ضرورت و اولویت‌ها

^۱. SEM: Structural Equation Modeling

استفاده شده است.

باید به این نکته توجه داشت که هرکدام از جداول، معرف یک ذهنیت در جامعه‌ای است که پژوهش در آن انجام شده است، و ذهنیت بر خلاف عینیت، موضوعی کاملاً شخصی و خود ارجاع است و به هیچ وجه نمی‌توان انتظار داشت که ذهنیت افراد مختلف درباره یک موضوع کاملاً یکسان باشد، هرچند که ذهنیت‌ها شباهت‌هایی با یکدیگر دارند و برخی از مشارکت‌کنندگان، به شیوه تقریباً مشابهی رتبه‌بندی می‌کنند.

۶- توصیف متغیرهای جمعیت شناختی تحقیق

آمار توصیفی الگوی پاسخ‌های نمونه را تلخیص می‌کند. در این قسمت ابتدا خصوصیات جمعیتی نمونه را توصیف می‌کنیم و سپس به آماره‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته می‌پردازیم در این بخش از تجزیه و تحلیل آماری به بررسی چگونگی توزیع نمونه‌های آماری متغیرهای جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات پرداخته می‌شود.

۶-۱- توصیف متغیر سن پاسخگویان

جدول (۴) توزیع فراوانی، میانگین، حداقل و حداکثر متغیر سن پاسخگویان

شهروندان مرد	شهروندان زن	نخبگان	تعداد	
			پاسخ معتبر	داده مفقوده
۳۵۲	۳۵۲	۱۴۰		
۰	۰	۰		
۳۹/۸۸۹۲	۴۰/۱۸۴۶۶	۵۰/۳۸۲۹۸	میانگین	
۲۰/۰۰	۱۷/۰۰	۳۹/۰۰	حداقل	
۷۲/۰۰	۶۶/۰۰	۶۸/۰۰	حداکثر	

بر اساس پاسخ‌های بدست آمده از پرسشنامه نخبگان، میانگین سنی آن‌ها ۵۰ سال و حداقل ۳۹ و حداکثر ۶۸ سال بوده است. بر اساس پاسخ‌های بدست آمده از پرسشنامه شهروندان، میانگین سنی زنان ۴۰ سال و حداقل ۱۷ و حداکثر ۶۶ سال بوده است. بر اساس پاسخ‌های بدست آمده از پرسشنامه شهروندان، میانگین سنی مردان ۳۹ سال و حداقل ۲۰ و حداکثر ۷۲ سال بوده است. میانگین سنی کل شهروندان نیز ۴۰ سال بوده است.

۶-۲- توصیف متغیر جنسیت پاسخگویان

جدول (۵) توزیع فراوانی متغیر جنسیت پاسخگویان

شهروندان		نخبگان		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۰/۰	۳۵۲	۱۴/۹	۲۱	زن
۵۰/۰	۳۵۲	۸۵/۱	۱۲۰	مرد
۱۰۰/۰	۷۰۴	۱۰۰/۰	۱۴۱	جمع

بر اساس پاسخ‌های بدست آمده از پرسشنامه نخبگان، در ارتباط با جنسیت آن‌ها، ۱۴/۹ درصد زن و ۸۵/۱ درصد مرد بوده است.

بر اساس پاسخ‌های بدست آمده پرسشنامه شهروندان، با توجه به اینکه در این پژوهش از هر محله یک زن و یک مرد برای پاسخگویی انتخاب شدند بنابراین تعداد پاسخگویان زن و مرد یکسان می‌باشد.

۶-۳- توصیف متغیر رشته تحصیلی پرسشنامه نخبگان و وضعیت تحصیلات پرسشنامه شهروندان

جدول (۶) توزیع فراوانی متغیر رشته تحصیلی نخبگان

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	رشته - تخصص
۴۶/۸	۴۶/۸	۴۶/۸	۶۶	علوم سیاسی
۶۵/۲	۱۸/۴	۱۸/۴	۲۶	روابط بین‌الملل
۷۰/۹	۵/۷	۵/۷	۸	مطالعات منطقه‌ای
۷۸/۰	۷/۱	۷/۱	۱۰	جامعه‌شناسی سیاسی
۸۹/۴	۱۱/۳	۱۱/۳	۱۶	مسایل ایران
۹۷/۲	۷/۸	۷/۸	۱۱	سیاست‌گذاری عمومی
۱۰۰/۰	۲/۸	۲/۸	۴	اندیشه‌های سیاسی
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۴۱	جمع

بر اساس پاسخ‌های بدست آمده از پاسخگویان در ارتباط با رشته تحصیلی آن‌ها، ۴۶/۸ درصد علوم سیاسی، ۱۸/۴ درصد روابط بین‌الملل، ۵/۷ درصد مطالعات منطقه‌ای، ۷/۱ درصد

جامعه‌شناسی سیاسی، ۱۱/۳ درصد مسایل ایران، ۷/۸ درصد سیاست‌گذاری عمومی، و ۲/۸ درصد اندیشه‌های سیاسی بوده است.

جدول (۷) توزیع فراوانی متغیر وضعیت تحصیلات شهروندان

وضعیت تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بی سواد / کم سواد	۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
زیر دیپلم	۲۶	۳/۷	۳/۷	۳/۸
دیپلم	۹۰	۱۲/۸	۱۲/۸	۱۶/۶
فوق دیپلم	۵۱	۷/۲	۷/۲	۲۳/۹
لیسانس	۲۷۶	۳۹/۲	۳۹/۲	۶۳/۱
فوق لیسانس	۱۷۸	۲۵/۳	۲۵/۳	۸۸/۴
دکتری و بالاتر	۸۱	۱۱/۵	۱۱/۵	۹۹/۹
حوزوی	۱	۰/۱	۰/۱	۱۰۰/۰
جمع	۷۰۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

بر اساس پاسخ‌های بدست آمده ۳۹/۲ درصد از شهروندانی که پرسشنامه را پر کرده بودند، دارای مدرک کارشناسی می‌باشند. همچنین ۰/۱ درصد پاسخگویان کم سواد و همچنین دارای تحصیلات حوزوی بوده‌اند.

۷- رتبه‌بندی متغیرهای مطالعه فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان و شهروندان

۷-۱- مؤلفه فرهنگ سیاسی غربی

جدول (۸) رتبه‌بندی فریدمن شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بُعد کلان مؤلفه فرهنگ سیاسی غربی

شهروندان و نخبگان فکری (اساتید)

شاخص	رتبه	میانگین اساتید	رتبه	میانگین شهروندان
عدم آزادی رسانه	۴	1.63	۳	2.38
ارتباطات سیاسی	۱	2.99	۴	2.23
جهانی شدن	۳	2.55	۲	2.67
مشارکت در انتخابات	۲	2.83	۱	2.73

Test Statistics(a)

	پرسشنامه نخبگان	پرسشنامه شهروندان
N	136	704
Chi-Square	117.639	104.324
df	3	3
Asymp. Sig.	.000	.000

شهروندان در مرتبه نخست بر مشارکت در انتخابات تأکید دارند این در حالی است که نخبگان بر ارتباطات سیاسی تأکید دارند.

در رتبه دوم شهروندان بر جهانی شدن تأکید دارند در صورتی که نخبگان بر مشارکت در انتخابات تأکید دارند.

در رتبه چهارم شهروندان بر عدم آزادی رسانه تأکید دارند این در حالی است که نخبگان بر جهانی شدن تأکید دارند.

در رتبه چهارم شهروندان بر ارتباطات سیاسی تأکید دارند در حالی که نخبگان بر عدم آزادی رسانه تأکید دارند.

شاخص‌های اول نخبگان و آخر شهروندان در مقابل یکدیگر قرار دارد و به نظر می‌رسد نگاه نخبگان و شهروندان در ارتباطات سیاسی کاملاً از هم دور است.

۷-۲- مؤلفه فرهنگ سیاسی ایرانی

جدول (۹) رتبه‌بندی فریدمن شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بُعد کلان مؤلفه فرهنگ سیاسی ایرانی،

شهروندان و نخبگان فکری (اساتید)

شاخص	رتبه	میانگین اساتید	رتبه	میانگین شهروندان
اسطوره سازی	۱	6.86	۴	4.37
بیگانه هراسی	۶	3.51	۳	4.46
تاکید بر ارزش‌های بومی	۲	6.11	۱	6.23
فاصله قدرت	۵	3.96	۲	6.20
خویشاوند سالاری	۷	3.11	۷	3.53
دوگانگی فرهنگی	۵	3.96	۵	4.23
عدم تخصص گرایی	۴	4.12	۸	2.90
پدر سالاری	۳	4.35	۶	4.08

Test Statistics(a)

	پرسشنامه نخبگان	پرسشنامه شهروندان
N	135	704
Chi-Square	326.993	1350.344
df	7	7
Asymp. Sig.	.000	.000

شهروندان بر ارزش‌های بومی به عنوان شاخص اول تأکید دارند این در حالی است که نخبگان اسطوره‌سازی را عامل مهم می‌دانند.

شهروندان بر فاصله قدرت به عنوان دومین عامل تأکید دارند این در حالی است که نخبگان بر ارزش‌های بومی تأکید دارند.

بیگانه‌هراسی سومین شاخص از دیدگاه نخبگان است که دید نخبگان سومین شاخص پدرسالاری قرار دارد.

چهارمین شاخص از دید شهروندان اسطوره‌سازی است در حالی که نخبگان بر عدم تخصص‌گرایی تأکید دارند.

دوگانگی فرهنگی عامل مشترک بین دو گروه می‌باشد.

شاخص ششم شهروندان بر پدرسالاری است این در حالی است که نخبگان بر بیگانه‌هراسی تأکید دارند.

شاخص هفتم نیز بین هر دو گروه خویشاوند سالاری می‌باشد.

در این مؤلفه نیز علی‌رغم اشتراکات در بعضی شاخص‌ها همچنان در اولویت نخست اختلاف نظر وجود دارد.

۷-۳- مؤلفه فرهنگ سیاسی اسلامی - انقلابی

جدول (۱۰) رتبه‌بندی فریدمن شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بُعد کلان مؤلفه فرهنگ سیاسی اسلامی -

انقلابی شهروندان و نخبگان فکری (اساتید)

شاخص	رتبه	میانگین اساتید	رتبه	میانگین شهروندان
امربه معروف و نهی از منکر	۴	2.89	۵	3.50
تساهل و مدارا	۷	3.03	۲	4.79
حمایت از مستضعفان	۶	3.45	۱	5.20

3.06	۶	3.76	۵	صدور انقلاب
4.64	۳	4.75	۳	شهادت طلبی
2.84	۷	5.15	۱	غرب ستیزی
3.96	۴	4.97	۲	انتظار ظهور حضرت قائم

Test Statistics(a)

	پرسشنامه نخبگان	پرسشنامه شهروندان
N	137	704
Chi-Square	206.121	1020.208
df	6	6
Asymp. Sig.	.000	.000

شهروندان در انتخاب نخست حمایت از مستضعفان را مدنظر دارند این در حالی است که غرب ستیزی از نگاه نخبگان در وهله نخست قرار دارد.

شهروندان بر تساهل و مدارا به عنوان دومین شاخص تأکید دارند این در حالی است که انتظار ظهور منجی از دیدگاه نخبگان حائز اهمیت بوده است.

شهروندان و نخبگان در شاخص سوم اتفاق نظر دارند و شهادت طلبی را عامل مهم سوم در فرهنگ سیاسی می‌دانند.

شهروندان انتظار ظهور را به عنوان شاخص چهارم معرفی می‌کنند این در حالی است که امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه نخبگان حائز اهمیت بوده است.

شهروندان امر به معروف و نهی از منکر را پنجم معرفی کردند این در حالی است که نخبگان صدور انقلاب را حائز اهمیت می‌دانند.

شهروندان صدور انقلاب را در وهله بعدی می‌دانند این در حالی است که حمایت از مستضعفان مورد تأکید نخبگان است.

شهروندان غرب ستیزی را عامل مهم هفتم می‌دانند این در حالی است که تأکید نخبگان بر تساهل و مدارا است. به نظر می‌رسد در اولویت‌های اولیه بین شهروندان و نخبگان اختلاف دیدگاه اساسی وجود دارد.

۷-۴- فرهنگ سیاسی جامعه و فضای حکمرانی

جدول (۱۱) رتبه‌بندی فریدمن شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بُعد میانه مؤلفه فرهنگ سیاسی جامعه و فضای حکمرانی شهروندان و نخبگان فکری (اساتید)

شاخص	رتبه	میانگین اساتید	رتبه	میانگین شهروندان
بسیج سیاسی	۱	7.83	۶	5.36
احزاب سیاسی	۴	5.42	۸	4.55
پاسخگویی به مردم	۵	5.29	۹	4.25
فضای امنیتی	۹	4.64	۷	4.78
عدم دانش سیاسی	۷	4.80	۴	5.77
بی اعتمادی سیاسی	۸	4.55	۱۰	3.70
عاملیت سیاسی زنان	۶	5.14	۲	7.01
فهم سیاسی	۳	6.29	۳	6.71
مطالبات سیاسی	۲	6.58	۵	5.67
قانون‌گریزی	۱۰	4.45	۱	7.20

Test Statistics(a)

	پرسشنامه شهروندان	پرسشنامه نخبگان
N	703	138
Chi-Square	1290.793	210.608
df	9	9
Asymp. Sig.	.000	.000

شهروندان به عنوان شاخص اول بر قانون‌مداری تأکید دارند این در حالی است که نخبگان بسیج سیاسی از دیدگاه نخبگان مورد تأکید است.

شهروندان در شاخص دوم بر عاملیت سیاسی زنان تأکید دارند در حالی که نخبگان بر مطالبات سیاسی تأکید دارند.

شهروندان و نخبگان در فهم سیاسی به عنوان شاخص سوم هم نظر هستند.

عدم دانش سیاسی شاخص چهارم مورد نظر شهروندان است در حالی که نخبگان بر احزاب تأکید دارند.

مطالبات سیاسی شاخص بعدی شهروندان است در حالی که پاسخگویی به مردم مورد تأکید

نخبگان قرار دارد.

بسیج سیاسی ششمین شاخص شهروندان است در حالی که نخبگان شاخص عاملیت سیاسی زنان را مطرح کرده‌اند.

فضای امنیتی هفتمین شاخص مورد نظر شهروندان و عدم دانش سیاسی در نقطه مقابل از دیدگاه نخبگان می‌باشد.

احزاب سیاسی هشتمین شاخص شهروندان و بی‌اعتمادی سیاسی شاخص مدنظر نخبگان است. پاسخگویی به مردم شاخص نهم شهروندان در این مؤلفه و فضای امنیتی برای نخبگان مورد نظر است.

و نهایتاً بی‌اعتمادی سیاسی از نظر شهروندان عامل موثر آخر و قانون‌گریزی مورد نظر نخبگان است.

در این مؤلفه نیز در اولویت اول بین شهروندان و نخبگان اختلاف نظر بالایی وجود دارد.

۷-۵- مؤلفه فرهنگ سیاسی فردی

جدول (۱۲) رتبه‌بندی فریدمن شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بُعد خرد مؤلفه فرهنگ سیاسی فردی

شهروندان و نخبگان فکری (اساتید)

شاخص	رتبه	میانگین اساتید	رتبه	میانگین شهروندان
تعصب گرایی	۳	4.05	۲	4.54
عدم انتقاد پذیری	۷	3.06	۱	5.12
تقدیر گرایی	۲	4.32	۴	4.07
تقلید گرایی	۴	3.96	۵	3.81
فرد گرایی	۵	3.94	۶	3.19
تنوع طلبی	۱	5.05	۳	4.44
نارضایتی از وضع موجود	۶	3.63	۷	2.83

Test Statistics(a)

	پرسشنامه نخبگان	پرسشنامه شهروندان
N	141	704
Chi-Square	91.288	719.614
df	6	6
Asymp. Sig.	.000	.000

عدم انتقاد پذیری شاخص اول از دیدگاه شهروندان می‌باشد در حالی که نخبگان بر تنوع طلبی تأکید دارند.

تعصب‌گرایی از دیدگاه شهروندان رتبه اول و از دیدگاه نخبگان تقدیرگرایی حائز اهمیت است. تنوع طلبی از نظر شهروندان و تعصب‌گرایی از نظر نخبگان شاخص سوم می‌باشد. تقدیرگرایی از نگاه شهروندان شاخص چهارم و از نظر نخبگان تقلید‌گرایی مورد تأکید است. تقلید‌گرایی شاخص پنجم شهروندان و فردگرایی رتبه پنج می‌باشد. شاخص ششم شهروندان فردگرایی و نارضایتی دائم از شرایط موجود شاخص ششم نخبگان می‌باشد. نهایتاً نارضایتی از وضع موجود از دیدگاه شهروندان و عدم انتقادپذیری از دیدگاه نخبگان مورد تأکید نهایی می‌باشد.

در این مؤلفه دیدگاه شهروندان و نخبگان نزدیکی زیادی دارد.

۶-۷- مؤلفه فرهنگ سیاسی نخبگان

جدول (۱۳) رتبه‌بندی فریدمن شاخص‌های فرهنگ سیاسی در بُعد خرد مؤلفه فرهنگ سیاسی نخبگان،

شهروندان و نخبگان فکری (اساتید)

شاخص	رتبه	میانگین اساتید	رتبه	میانگین شهروندان
توطئه‌پنداری	۵	3.57	۴	3.65
جسارت بیان سیاسی	۳	4.67	۷	2.85
جناح‌بندی و تشکل‌سازی	۲	4.73	۶	2.93
خودسانسوری	۶	3.21	۳	4.84
تخریب گروه‌های رقیب جناحی	۷	3.15	۱	5.43
عاملیت سیاسی نخبگان	۱	4.92	۵	2.98
فرصت طلبی	۴	3.76	۲	5.31

Test Statistics(a)

	پرسشنامه نخبگان	پرسشنامه شهروندان
N	139	704
Chi-Square	140.001	1619.554
df	6	6
Asymp. Sig.	.000	.000

شهروندان شاخص تخریب گروه‌های رقیب جناحی و نخبگان عاملیت سیاسی نخبگان را شاخص اول معرف کرده‌اند.

شاخص دوم شهروندان فرصت طلبی و جناح بندی و تشکل سازی شاخص دوم مورد نظر نخبگان است.

خودسانسوری شاخص سوم شهروندان و جسارت بیان سیاسی شاخص سوم مدنظر نخبگان است. شاخص چهارم شهروندان توطئه پنداری و نخبگان فرصت طلبی می‌باشد.

شاخص پنجم مورد اجماع شهروندان عاملیت سیاسی نخبگان و توطئه پنداری مورد نظر نخبگان است.

جناح بندی و تشکل سازی از دید شهروندان و خودسانسوری از دید نخبگان شاخص ششم دو گروه می‌باشد.

نهایتاً جسارت بیان سیاسی از دید شهروندان تخریب گروه‌های رقیب جناحی در اولویت هفتم دو گروه قرار دارد.

در این مؤلفه نیز بین نخبگان و شهروندان در اولویت بندی شاخص‌ها اختلاف نظر زیادی وجود دارد.

۸- میزان مشارکت سیاسی مردم (شهروندان تهرانی) در الگوی فرهنگ سیاسی ایران از

دیدگاه نخبگان چگونه است؟

بر اساس نتایج بدست آمده در پژوهش میزان مشارکت مردم به شرح زیر می‌باشد:

۱- فرهنگ سیاسی غربی

شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس و شورای شهر و مجلس خبرگان مشارکت زیادی داشتند،

همچنین به اخبار سیاسی جهانی دسترسی کامل دارند و کمتر موافق دریافت اخبار درست از رسانه‌های داخلی هستند و امکان اعلام نظر آنان کمتر مقدور است.

۲- فرهنگ سیاسی ایرانی

شهروندان به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند، معتقدند بین آنان و مدیران سیاسی در جامعه فاصله وجود دارد، همچنین نسبت به بیگانگان بدبین هستند و از حضور دشمنان خارجی ترس و

دلهره دارند، و اسطوره‌های سیاسی را الگوی راه زندگی خود می‌دانند، و در جامعه برای رسیدن به اهداف ظاهر و رفتار خود را تغییر می‌دهند و پدرانشان در تصمیمات کلیدی زندگیشان نقش مؤثری داشتند. اگر فرصت دستیابی به یک سمت را داشته باشند اقوام خود را به کار می‌گذارند و کاری که در تخصصشان نبوده را می‌پذیرند.

۳- فرهنگ سیاسی اسلامی - انقلابی

در این مؤلفه شهروندان به ترتیب در دفاع از یک مستضعف وارد عمل شده و از وی دفاع می‌کنند، پذیرای افکار متفاوت از دیگران هستند، و حاضرند در راه خدا جان خود را فدا کنند، و با خواندن دعا در انتظار ظهور منجی بشریت هستند و با دیدن ناهنجاری‌های دینی و ضد انقلابی ناراحت شده و وارد عمل می‌شوند و نهایتاً در راهپیمایی‌های ۱۳ آبان تسخیر لانه جاسوسی و روز قدس شرکت می‌کنند.

۴- فرهنگ سیاسی جامعه و فضای حکمرانی

بر اساس یافته‌های فصل چهارم به ترتیب شهروندان به عنوان یک شهروند به قوانین موجود در جامعه پایبند هستند، به زنان در امور سیاسی کشور پست و سمت بیشتری می‌دادند، مسائل و موضوعات سیاسی جاری کشور می‌فهمند و درک می‌کنند، کتاب‌ها و اخبار سیاسی را دنبال می‌کنند، به عنوان یک شهروند در احقاق مطالبات سیاسی خود فعال هستند، در موارد خاص با تصمیم سیاست‌گذاران در اجتماعات شرکت می‌کنند، در جامعه به راحتی و بدون ترس در مورد مسائل سیاسی صحبت می‌کنند، در احزاب و انجمن‌ها عضو هستند و معتقدند مسئولین نسبت به کارهای انجام شده خود پاسخگو هستند، و در نهایت به تصمیمات مسئولین در امور سیاسی اعتماد دارند.

۵- فرهنگ سیاسی فردی

به ترتیب اولویت‌های زیر شهروندان در موضوعات مؤلفه فوق مشارکت دارند: در شنیدن انتقاد از دیگران تحمل بالایی دارند، اعتقادات و باورهای خود را درست می‌دانند، در زندگی روزمره به دنبال کارهای متفاوت و متنوع هستند، در سرنوشت خود به قضا و قدر اعتقاد دارند، و در زندگی الگویی برای تقلید انتخاب می‌کنند، و در تصمیم‌گیری سود و منفعت خود را در اولویت قرار می‌دهند و در زندگی همه چیز را بر وفق مراد می‌دانند.

۶- فرهنگ سیاسی نخبگان

به ترتیب اولویت‌های زیر شهروندان در موضوعات مؤلفه فوق مشارکت دارند:

معتقدند مسئولین در منازعات به تخریب و حذف یکدیگر می‌پردازند، معتقدند مدیران سیاسی از فرصت‌های موجود برای ارتقاء مادی و معنوی خود استفاده می‌کنند، به دلیل برخی شرایط حاکم مسئولین همه آنچه را که باید نمی‌گویند، و معتقدند دشمنان ایران و عوامل داخلی آنان به دنبال تحمیل عقاید خود به کشور هستند، و مسئولین سیاسی متخصصین ماهر حوزه سیاسی هستند، و گروه‌های سیاسی برای احقاق حق مردم تلاش می‌کنند، و در بیان مشکلات مردم جسورانه عمل می‌کنند.

همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش متغیرهای مربوط به وضعیت اجتماعی در شاخص‌های زیر معناداری داشته است، بدین معنا که میان متغیرهای زیر بین پاسخگویان اختلاف نظر بوده است.

نتیجه‌گیری

از نظر بسیاری از صاحب‌نظران که به بررسی فرهنگ سیاسی ایران پرداخته‌اند فرهنگ سیاسی ایرانیان بسیار پیچیده است و عوامل زمینه‌ساز و بسترهای مختلفی در شکل‌گیری آن موثر است که از آن جمله می‌توان به موقعیت جغرافیایی، بافت جمعیتی و نوع نظام سیاسی، تاریخ سیاسی، تهاجم فرهنگی و ایدئولوژی و به طور خاص مذهب تشیع و... یاد کرد.

در این پژوهش سعی شد تا با اجماع نظر نخبگان یک الگوی کلی از فرهنگ سیاسی ایران ارائه شود. بر این اساس فرهنگ سیاسی ایران دارای سه بُعد کلان، میانه و خرد و شش مؤلفه و ۴۳ شاخص می‌باشد. در مرحله بعد میزان مشارکت شهروندان تهرانی که دارای تنوع و تکثرهای فرهنگی، دینی، قومیتی، اقتصادی، اجتماعی، و رویکردهای جدید بوده‌اند مورد بررسی قرار گرفت و با بررسی نظرات و دیدگاه‌های آنان با گروهی از نخبگان فکری دانشگاه‌های تهران به ارزیابی فاصله آنان پرداخته شد. نتایج بیانگر اختلاف نظر بین در دو گروه در مؤلفه‌ها بوده است.

توجه به موارد مزبور و اولویت‌های مطرح‌شده می‌تواند سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را در عرصه مدیریت استراتژیک کشور راهبری و هدایت نماید و امکان آینده پژوهی را در فرهنگ سیاسی کشور در تعاملات داخلی و بین‌المللی فراهم نماید. و به نظر می‌رسد کارگزاران، نخبگان و صاحب‌نظران بایستی این تفاوت آراء را در سیاست‌گذاری‌ها، مورد توجه قرار دهند.

کتابنامه

- ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۷۲). «مکتب نخبه‌گرایی و بنیان آن»، سیاست خارجی، ۴(۴)، صص ۷۴۵-۷۲۳.
- امینی، علی‌اکبر. و خسروی، محمدعلی (۱۳۸۹). «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان»، مجله مطالعات سیاسی، ۲(۷)، صص ۱۴۲-۱۲۷.
- باتامور، تامس‌برتون (۱۳۹۲). نخبگان و جامعه: به انضمام درآمدی بر روش‌های تحقیق تجربی درباره نخبگان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پردیس دانش.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران، چاپ اول، تهران: گام نو.
- پای، لوسین (۱۳۷۰). «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، ۲(۶-۵).
- پرجمی، داود (۱۳۸۶). «بررسی مشارکت مردم در نهمین انتخابات ریاست جمهوری»، پژوهشنامه علوم انسانی، (۵۳)، صص ۸۲-۳۷.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علی‌رضا طیب، چاپ دوم، تهران: نشر موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- رزاقی، سهراب (۱۳۷۵). «مولفه‌های فرهنگ سیاسی ما»، مجله نقد و نظر، ۲(۴-۳)، صص ۲۱۳-۲۰۰.
- رضافور، زهرا؛ انصاری، حمید (۱۳۹۴). «بررسی و مطالعه میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده در شهرستان بجنورد و عوامل مؤثر بر آن»، زن و مطالعات خانواده. ۷(۲۸)، صص ۵۵-۳۵.
- روشه، گی (۱۳۹۵). تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، چاپ ۲۶، تهران: نشر نی.
- زونیس، ماروین (۱۳۸۷). روانشناسی نخبگان سیاسی ایران، ترجمه پرویز صالحی، سلیمان امین‌زاده، زهرا لبادی، تهران: چاپخش.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲). فرهنگ سیاسی ایران، چاپ سوم، تهران: فرزانه.
- شبانپور، محمد (۱۳۹۶). «شناخت نخبگان فکری و شیوه عمل آن‌ها در ایران پس از انقلاب»، دو ماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۲(۱)، صص ۱۳۷-۱۳۰.
- شیخ‌زاده، حسین (۱۳۸۵). نخبگان و توسعه ایران، تهران: نشر باز.
- عابدی‌اردکانی، محمد (۱۳۹۳). «توسعه نیافتگی از منظر فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۹(۴)، صص ۱۷۰-۱۳۳.

عابدینی، صمد؛ خوشحال، امیر (۱۳۹۲). «نقش نخبگان فکری و سیاسی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران بین دو انقلاب (از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷ ش) و نقش توده‌ها در آن»، مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۱(۴۰)، صص ۱۴۵-۱۲۷.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۴). «فهم فرهنگ سیاسی»، سیاست خارجی، ۹(۴)، صص ۱۵۲۶-۱۵۱۳.
 علفیان، مسعود (۱۳۷۸). «مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری»، در مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، تبریز: شهرداری تبریز.
 کوزر، لوئیس آلفرد (۱۴۰۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ ۲۳، تهران: نشر انتشارات علمی.

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۳). فرهنگ سیاسی ایران: نشانه‌ها و فرآیندهای کنش الگویی، چاپ پنجم، تهران: نشر فرهنگ صبا.

میرزایی تبار، میثم. صادقی، وحید. حسینی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۴). «تبیین رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی؛ مطالعه موردی شهرستان ممسنی»، دوفصلنامه دانش سیاسی، ۱۱(۲)، صص ۲۰۸-۱۶۹.

نادمی، داوود (۱۳۹۰). «بررسی جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی»، برگ فرهنگ، (۲۳)، صص ۳۵-۸.
 نظری، حامد، علم، محمد رضا، آل غفور، محسن (۱۳۹۲). «فرهنگ سیاسی زنان شیعه (با تاکید بر نقش انقلاب اسلامی ایران)»، زن و فرهنگ، ۵(۱۷)، صص ۹۲-۷۵.

نیکزاد، ایمان (۱۳۹۲). مطالعه فرهنگ سیاسی روحانیون مخالف رژیم پهلوی دوم (امام خمینی (ره)، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

هنری لطیف پور، یدالله (۱۳۸۰). فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی. چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

Goldfarb, Jeffrey C. (2011). Reinventing Political Culture: The Power of Culture Versus the Culture of Power. Publisher: Polity, New York.

Tong, Dezhi. (2019). Introduction to Comparative Political Culture: The Theoretical Reflection on the Plurality of Democracy. Publisher: Springer Nature, Tianjin, China.

Kjetil, Duvold. & Sten, Berglund. & Joakim, Ekman. (2019). Political Culture in the Baltic States: Between National and European Integration. Publisher: Palgrave Macmillan, Cham, Switzerland.